
دو شاهکار ادبیات جهان:

رومئو و ژولیت و یلیام شکسپیر، لیلی و مجنونِ نظامی گنجوی

ترجمه، تحقیق و تطبیق از
علی اصغر حکمت

به اهتمام

هرمز همایون پور



فهرست

یادداشت ویراستار ۹

زندگی و آثار و افکار علی اصغر حکمت ۱۹

سراغاز، از علی اصغر حکمت ۹۱

مقاله نخستین

رومئو و ژولیت

مقدمه ۹۵. اشخاص داستان ۱۰۱

ابتدای داستان رومئو و ژولیت. ضیافت در قصر کاپولت ۱۰۳،

نخستین دیدار ۱۰۵، مکالمه عاشق و معشوق در نیمه شب در کاخ کاپولت

۱۰۶. رفتن رومئو به نزد راهب لورانس ۱۱۳، جنگ تایبالت با مرکوتیو و

رومئو ۱۱۶، رومئو در صومعه لورانس و حکم تبعید وی ۱۱۷، دیدار رومئو و

ژولیت در نیمه شب ۱۲۰، نامزدی ژولیت با پاری و تدبیر راهب ۱۲۴، آگاهی

یافتن رومئو از مرگ ژولیت ۱۲۷، بازآمدن رومئو به ورونا و هلاک او ۱۲۹،

خودکشی ژولیت ۱۳۲، کشف شدن اسرار ۱۳۳.

مقاله دومین

لیلی و مجنون به گفته نظامی ۱۳۷-۱۷۸

آغاز داستان ۱۳۹، خواستگاری برای مجنون ۱۴۳، مسافرت به مکه ۱۴۵،

حکم سلطان به قتل مجنون ۱۴۶، مکاتبه دو عاشق به زبان شعر ۱۴۹، گریستن

لیلی به یاد مجنون در بوستان ۱۴۹، نامزدی لیلی ۱۵۰، یاری نوفل به مجنون

۱۵۱، جنگ نوفل با قبیله لیلی به هواداری مجنون ۱۵۳، عتاب مجنون به نوفل
 ۱۵۴، جنگ دوم نوفل ۱۵۴، آزاد کردن آهوان ۱۵۶، مکالمه مجنون با زاغ ۱۵۸،
 پیرزن و اسیر دریوزه ۱۵۹، عروسی لیلی با ابن سلام ۱۶۰، زفاف و عفاف لیلی
 ۱۶۱، آگاهی مجنون از عروسی لیلی ۱۶۲، پدر مجنون ۱۶۳، مجنون با
 وحشیان صحرا ۱۶۵، شب تیره ۱۶۷، رسول لیلی ۱۶۸، خال مجنون و مادراو
 ۱۷۰، دیدار لیلی و مجنون ۱۷۱، سلام بغدادی ۱۷۲، مردن شوی لیلی ۱۷۴،
 مردن لیلی ۱۷۵، سوگواری مجنون در مرگ لیلی ۱۷۶، مرگ مجنون ۱۷۷.

مقاله سومین

مقایسه منظومه دو شاعر ۱۷۹-۲۲۳

مقدمه ۱۸۱، زمان و مکان دو حکایت ۱۸۴، آغاز هردو حکایت ۱۸۵، انجام
 هردو ۱۸۶، شکایت و زاری عاشق در آرامگاه معشوقه ۱۸۶، رؤیا ۱۸۸،
 محکوم شدن دو عاشق به حکم سلطان ۱۸۹، آمد و شد نهانی به کوی معشوقه
 ۱۸۹، پشیمانی پدران ۱۹۱، پیک و نامه در میان دو عاشق ۱۹۲، عروسی
 معشوقه ۱۹۴، طرز تعبیر کلام و اوصاف طبیعت ۱۹۶، وصف شب ۱۹۹، بیان
 راز عشق ۲۰۱، حزن و اندوه ۲۰۲، قوت بازوی عشق ۲۰۳، صعوبت عشق
 ۲۰۴، بی باکی عاشق از هلاک ۲۰۵، وصف جمال معشوقه ۲۰۵، زاری عاشق
 پس از مرگ معشوقه ۲۰۷، مگس ۲۱۰، اختلاف دو داستان ۲۱۱، ثبات عاشق
 ۲۱۲، یاران عاشق ۲۱۲، سفر عاشقان ۲۱۲، صبر و بردباری عاشقان. نتیجه و
 مقصود هردو حکایت ۲۱۹، انجام هردو داستان ۲۲۰، بحر دو منظومه ۲۲۱،
 قافیه دو منظومه ۲۲۲.

مقاله چهارمین

داستان لیلی و مجنون در آداب زبان فارسی ۲۲۵-۳۰۲

پیدایش حکایت و روائه عرب ۲۲۷، ابوالفرج اصفهانی ۲۲۸، انتشار داستان در
 ادبیات فارسی ۲۲۹، (قرن سوم) دو بیت اباباهر ۲۲۹؛ (قرن چهارم و پنجم)

رابعه بلخی ۲۲۹، مسرور طالقانی ۲۳۰، مسعود سعد سلمان ۲۳۰؛ (قرن ششم)
 سنائی و مثنوی حدیقه الحقیقه ۲۳۱، امیر معزی ۲۳۳، مثنوی لیلی و مجنون
 نظامی ۲۳۴، نغمه موسوم به «لیلی و مجنون» در موسیقی ایرانی ۲۴۰؛ (قرن
 هفتم) مثنوی مولانا جلال الدین رومی ۲۴۲، لیلی و مجنون به اصطلاح
 صوفیه - لمعه‌ای از لمعات شیخ عراقی ۲۵۰، در گلستان و بوستان شیخ
 سعدی ۲۵۰، مثنوی لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی ۲۵۳؛ (قرن هشتم) در
 غزلیات خواجه حافظ شیرازی ۲۶۱؛ (قرن نهم) مثنوی لیلی و مجنون جامی
 ۲۶۳، داستان لیلی و مجنون به اشعار ترکی ۲۸۲، مثنوی امیر علی شیر نوایی
 ۲۸۲، مثنوی فضولی آذربایجانی ۲۸۳، مثنوی لیلی و مجنون مکتبی شیرازی
 ۲۸۶؛ (قرن دهم) مثنوی هاتقی جامی ۲۹۷، مثنوی هلالی جغتایی ۲۹۸؛ (قرن
 یازدهم به بعد) مثنوی روح الامین اصفهانی ۲۹۸، مثنوی زلالی خونساری
 ۲۹۹، مثنوی نال و دمن فیضی دکنی ۲۹۹، لیلی و مجنون به لهجه کردی
 گورانی ۳۰۰، تماشنامه «اپرت» لیلی و مجنون در تهران ۳۰۰، پایان سخن
 ۳۰۲، فهرستی از مثنوی‌های لیلی و مجنون ۳۰۳.

یادداشت ویراستار

به یاد استاد ایرج افشار

در تولید این کتاب به شکل کنونی، به واقع، یک نفر نقش اصلی را داشته است: شادروان ایرج افشار. مرحوم افشار که در چندسالهٔ آخر حیات پربارش عنایتی به من پیدا کرده بود و محبت می فرمود، مایل بود به اتفاق — البته به فرمایش او، ولی در واقع تحت نظر او — سه کتاب دربارهٔ سه تن از خدمت‌گزاران فرهنگی دوران معاصر، که هر کدام عمدتاً به خاطر مقامات و عقاید دولتی و سیاسی و نه به دلیل کارهای فرهنگی مورد بی‌مهری و حتی شماتت و توهین قرار گرفته بودند، تدوین کنیم. ایشان به درستی می فرمود که عیب‌گیری‌ها و شماتت‌های سیاسی بر چهره و خدمات علمی و فرهنگی این سه تن سایه انداخته و موجب شده که نسل جوان آنها را نشناسد و قدر خدمات تعیین‌کننده و گاه دوران‌ساز آنها را در پیشبرد فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ ایران نداند. این سه تن، به نظر استاد، عبارت بودند از محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، سید حسن تقی‌زاده، و علی‌اصغر حکمت. ایشان البته می فرمود که مظلوم واقع شدگان فرهنگی به هیچ وجه منحصر به این سه تن نیستند، و سیاست زدگی جامعهٔ ایران در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، که نه بر آگاهی و منطق و ارزیابی منصفانه بلکه عمدتاً بر جانبداری‌های عقیدتی و ایدئولوژیکی متکی بود، نام بسیاری از خدمت‌گزاران را آلوده کرده که متأسفانه گه گاه تا به امروز هم ادامه دارد.

مرحوم افشار درباره این هر سه تن، به خصوص فروغی و تقی زاده، زیاد نوشته بود. مثلاً، وقتی می‌گفتم؛ با آن چه در زندگی طوفانی تقی زاده آورده‌اید دیگر چه نیازی به کتابی جداگانه است، می‌فرمود، نه، آن کتاب کافی نیست. به علاوه، اسناد و مدارک و عکس‌ها و نامه‌های بسیار دیگری دارم که لازم است به صورتی مدون شود. نمی‌دانم، شاید هم فکر می‌کردند:

بہتر آن باشد کہ سِرّ دلبران
گفته آید در حدیث دیگران
از دیگران در این جا، منظور کسانی است کہ ہم نسل آن بزرگان نبوده و با آنان حشرونشر نداشته‌اند. مرحوم افشار در کلام و نوشتار این «دیگران» احتمالاً نوعی تداوم و زنده ماندن یاد و خاطره آن بزرگان را می‌دید. مرحوم افشار از نسبتی کہ بنده با مرحوم حکمت داشتم آگاہ بود. احتمالاً بہ همین دلیل ہم نوشتن درباره حکمت را بہ من محول می‌فرمود.
باری، متأسفانہ افشار، آن گنجینہ‌ای کہ یک تنہ کار یک مرکز تحقیقاتی بزرگ را می‌کرد، از میان ما رفت و از نظارت مستقیم او بر کار و دسترسی بہ اسناد بہ قول خودش «تازہ یاب» آن ارجمند محروم شدیم. خوشحالم کہ از این سه «پروژه» مفروض، دست کم، یکی تا حدودی بہ بار نشست و افشار قبل از رفتن، شادمانہ آن را دید.*

* اشاره‌ام بہ سیاست‌نامه ذکاء الملک (مقاله‌ها، نامه‌ها، و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی) است کہ چاپ‌های اول و دوم آن، بہ اہتمام ایرج افشار و ہرمز ہمایون پور، در سال‌های ۱۳۹۰ و ۹۱ - قبل از «عدم تمدید» پروانہ نشر و بہ محاق رفتن انتشارات کتاب روشن - از سوی این ناشر منتشر شد.

شاید بی‌مناسبت نباشد در اینجا بہ خاطرہ‌ای غم‌انگیز از استاد افشار نیز اشارہ‌ای بکنم. پس از انتشار سیاست‌نامه ذکاء الملک، از جملہ یکی از دوستان مقیم فرنگ، کہ ظاہراً قصد نقل قول‌هایی از آن داشت، بہ درستی ایراد گرفت کہ کتاب فاقد نمایہ است. بہ او توضیحی دادم کہ اندوہناک شد، اما ظاہراً قانع.

داستان از این قرار بود کہ استاد قبل از آخرین سفرش بہ امریکا بہ تأکید توصیه کرد کہ سیاست‌نامہ را زود منتشر کنم. درباره نمایہ، کہ آمادہ‌سازی و حروف‌نگاری آن طبقاً

با رفتن استاد افشار، پیگیری «پروژه» هاطبعاً متوقف شد. تا وقتی کہ مدتی قبل دوست صاحب‌نظم آقای دکتر پرویز پرویزفر - مؤلف سه جلد کتاب اساسی درباره زندگی و آثار گوته* - محبت کرد و نسخه‌ای زیراکسی از اثر فاخر مرحوم حکمت، یعنی همین کتاب حاضر، را بہ بنده عنایت فرمود. گام مؤثر بعدی را دوست قدیمی و عزیزم آقای حسین حسین‌خانی، مدیر انتشارات آگاہ، برداشت. بہ این ترتیب کہ وقتی درباره این کتاب حکمت با او صحبت می‌کردم، بہ سرعت متوجہ اہمیت کتاب شد و مرا برانگیخت تا در «ردہ آثار ادبی تطبیقی» بہ آن زیراکس سرو صورتی دہم و آمادہ حروف‌نگاری و چاپ سازم.

من، در مرحلہ اول، بہ خاطر یادی از استاد افشار و تلاشی برای پیادہ کردن - ہرچند ناقص - یکی از پروژہ‌های مورد نظر او، بعد بہ خاطر ادای دینی مختصر بہ مرحوم علی‌اصغر حکمت، کہ آموزش‌های دبستانی و دبیرستانی

→ چندماہی وقت می‌گرفت، فرمود بگذارید برای بعد؛ فعلاً کتاب را بہ همین صورتی کہ دیدہ‌ام منتشر کنید. من کہ با دقت و سواس گونہ استاد و آثار بی‌شمار او کم و بیش آشنا بودم تعجب کردم ولی بناچار دستور را اجرا کردم. و چہ خوب کہ چنین کردم. وقتی ماہی بعد استاد بہ حالت نفاہت بازگشت، کتاب را کہ تقدیم‌اش کردم چشمانش برقی زد. اندک زمانی بعد کہ دوستان و شاگردانش را تنہا گذاشت و رفت، تازہ متوجہ شدم کہ علت اصرار و تأکید او چہ بود. ما کہ از بیماری‌اش و مہلک بودن آن خبری نداشتیم و چیزی ہم بہ ما نمی‌گفت. اما خودش کہ خبر داشت در چہ وضعی است. بنابراین، می‌خواست آخرین دستاوردش را ببیند، و شاگردم کہ دید. بہ خاطر عدم تمدید پروانہ نشر در زمان وزیر سابق و معاون فرهنگی اسبق وزارت ارشاد فرصت افزودن نمایہ ہم بر کتاب فراہم نشد. خداوند رفتگان نیک را بیامرزد و در پناہ رحمت‌اش قرار دہد و بہ دیگران ہم ہرآن چہ مستحق‌اند عنایت فرماید.

* دکتر پرویز پرویزفر، زندگی و آثار گوته (دورہ سه جلدی)، انتشارات مستوفی، تہران ۱۳۸۱. برای آگاہی از تحقیق سنگین و ارزندہ دکتر پرویز پرویزفر، کہ از نظر معرفی گوته و آثار او احتمالاً اولین و جامع‌ترین اثر تألیفی بہ زبان فارسی است، نک: معرفی این کتاب توسط دکتر رضا نجفی. در فصل‌نامہ نقد و بررسی کتاب تہران. شمارہ ۳۳-۳۴، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۴۳-۱۴۸.